

Pro-Poor Growth in the Urban Areas of Iran's Provinces

Elham Heshmati Dayari 

Ph.D. in Economic Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

Sohrab Delangizan * 

Associate Professor, Department of Economics, Razi University, Kermanshah, Iran

Mohammad Sharif Karimi 

Associate Professor, Department of Economics, Razi University, Kermanshah, Iran

Abstract

Poverty is one of the major problems of human societies that causes many social harms. Therefore, policymakers and economic development planners always aim to eliminate it. In addition, economic growth is one of the important and influential variables of macroeconomics. Therefore, examining the impact of economic growth on poverty through the lens of growth and distribution effects offers valuable insights for policymaking and poverty reduction strategies. In this study, we use the log-normal curve approach introduced by Bourguignon to estimate the growth effect on poverty utilizing data from urban households in Iran over the period 2013-2019. The results indicate that only in the one-year period of 2015-2016, the triangle of poverty, growth, and inequality has worked well and the growth has been pro-poor.

Furthermore, provincial-level findings unveil discernible patterns:

(a) In provinces experiencing positive growth, urban areas in Qom exhibit pro-poor growth, while those in Alborz, Golestan, and Hamedan provinces observe a trickle-down effect. Meanwhile, in other provinces, growth demonstrates an immiserizing trend.

(b) In provinces with negative growth, only urban areas in Markazi province observe a reduction in poverty. However, due to the lack of growth, it cannot be concluded that this province has had pro-poor growth. In the urban areas of other provinces in this group, the situation has been unfavourable for the poor.

Keywords: Pro-Poor growth, distributional effect, income effect, inequality, provinces of Iran.


JEL Classification: I32, D31, D63, O40.


* Corresponding Author: sohrabdelangizan@gmail.com


How to Cite: Heshmati Dayari, E., Delangizan, S., Karimi, M. Sh. (2022). Identifying the Influence Channels of Pro-Poor Growth in the Urban Areas of Iran's Provinces. *Journal of Economic Research*, 86(21), 121- 150.



شناسایی کانال‌های اثرگذاری رشد فقرزدا در مناطق شهری استان‌های ایران

الهام حشمتی دایاری  دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

سهراب دل‌انگیزان*  دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

محمد شریف کریمی  دانشیار، گروه اقتصاد، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

چکیده

فقر از عمده مشکلات جوامع بشری است که آسیب‌های اجتماعی بسیاری را به بار می‌آورد. از این رو سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه اقتصادی همواره به دنبال حذف آن هستند. به علاوه رشد اقتصادی نیز به عنوان یکی از متغیرهای مهم و تاثیرگذار اقتصاد کلان همواره مورد توجه بوده است. لذا تجزیه تاثیر رشد اقتصادی بر فقر به دو اثر درآمدی و توزیعی می‌تواند اطلاعات مفیدی را جهت برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های لازم در راستای کاهش فقر ارائه دهد. بنابراین در این مطالعه با تکیه بر تحلیل منحنی Log-Normal که توسط بورگینون ارائه شده و داده‌های هزینه درآمد خانوارهای شهری در استان‌های ایران، این دو اثر طی سال‌های ۹۸-۱۳۹۲ مورد محاسبه قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که طی دوره مذکور تنها در دوره یک‌ساله ۱۳۹۵-۹۶ تمام عناصر لازم برای رشد فقرزدا (وجود رشد، کاهش فقر و کاهش نابرابری) مهیا بوده است؛ بنابراین مثلث فقر، رشد و نابرابری در این سال به خوبی کار کرده و سه ضلع اصلی آن فراهم و رشد فقرزدا بوده است. همچنین نتایج حاصل از بررسی استانی نشان می‌دهد که در استان‌های با رشد مثبت مناطق شهری استان قم از رشد فقرزدا و مناطق شهری استان‌های البرز، گلستان و همدان از رشد سرریز طی دوره برخوردار بوده‌اند و در مناطق شهری سایر استان‌های مذکور رشد فقرزدا بوده است و در استان‌های با رشد منفی تنها مناطق شهری استان مرکزی است از کاهش فقر برخوردار بوده است. لکن به دلیل عدم وجود رشد نمی‌توان پذیرفت که مناطق شهری این استان رشد فقرزدا داشته است. در مناطق شهری سایر استان‌ها نیز وضعیت به زیان فقرا بوده است.

کلیدواژه‌ها: رشد فقرزدا، اثر توزیعی، اثر درآمدی، نابرابری، استان‌های ایران

طبقه‌بندی JEL: O40, D63, D31, I32

۱. مقدمه

پدیده فقر یکی از خطرناک‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که می‌تواند حیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ملت را تهدید کند (مولانا و همکاران، ۱۳۹۹). این معضل مرز نمی‌شناسد و تمامی نظام‌های اقتصادی را در هر نقطه‌ای از جهان درگیر می‌کند و با آنکه در طول تاریخ برای ریشه‌کن کردن این پدیده تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است، هنوز به عنوان یکی از مهم‌ترین معضله‌های اجتماعی در بسیاری از جوامع خودنمایی می‌کند (Heinemann, et al., 2011) و برای سالیان متمادی و در بین کشورهای مختلف وجود داشته و با وجود رشد اقتصادی در میان کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه همچنان ادامه دارد (Pada & Hameed, 2018).

در اقتصاد ایران نیز یکی از دغدغه‌های اصلی برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در برنامه‌های توسعه اقتصادی، کاهش فقر و نابرابری درآمدی است (ایزدخواستی، ۱۳۹۸: ۴۳). در این راستا، همواره موضوعات رشد اقتصادی و دستیابی به توزیع بهینه درآمد و عدالت اقتصادی، مورد توجه آن‌ها بوده است (دهقانی و همکاران، ۱۳۹۶). از این رو، بررسی سه موضوع فقر، نابرابری درآمدی و رشد اقتصادی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در تعریف روابط این سه گانه نمی‌توان رابطه مستقیمی بین رشد اقتصادی و تغییرات فقر تعیین کرد و لزوماً رشد اقتصادی، کاهش فقر را به همراه نخواهد داشت (Zhao, et al., 2019)، بنابراین، تاثیرپذیری فقر از سیاست‌گذاری‌های مختلف رشد اقتصادی با توجه به تاثیرات متفاوتی که بر توزیع درآمد خانوارها دارد، یکسان نیست.

رشد اقتصادی در کاهش فقر شرط لازم و کافی نیست. کاهش فقر به دو عامل رشد اقتصادی و توزیع درآمدها بسیار وابسته است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۷)؛ به طوری که افزایش درآمدها می‌تواند باعث کاهش دامنه فقر شده و افزایش در نابرابری توزیع درآمدها می‌تواند آن را افزایش دهد. همچنین باید توجه داشت که در جهان امروز با پیشرفت سریعی که در تکنولوژی رخ می‌دهد، فقر در شهرها بیش از پیش در حال گسترش است (Hilson, et al., 2019) و سنجیدن فقر شهری در کنار فقر روستایی مانع از توجه کافی به فقر در مناطق شهری شده و همواره غالب توجه‌ها را بر فقر روستایی متمرکز می‌کند. این در حالی است که طبق برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد

در حال حاضر حدود ۳۰ درصد از جمعیت شهرنشینان جهان در محله‌های فقیرنشین هستند و این نسبت طی ۳۰ سال آینده به ۶۰ درصد افزایش خواهد یافت (Lucci, et al, 2019).

هدف مطالعه حاضر تلاش جهت دستیابی به این مهم است که در مناطق شهری استان‌های ایران طی دوره ۹۸-۱۳۹۲، اثر درآمدی و توزیعی به چه میزان بوده و هر یک چقدر توانسته‌اند بر فقر تاثیر بگذارند. علاوه بر این، برآیند دو اثر مزبور نیز مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور ابتدا به مروری بر مبانی نظری و تحقیقات انجام شده در این زمینه پرداخته، سپس روش تحقیق بیان و مدل معرفی می‌شود و در ادامه نتایج کمی معادلات، نتیجه‌گیری و پیشنهادها ارائه می‌شود.

۲. چهارچوب نظری

در تاریخچه موضوع فقر بخشی از نظریه‌ها ادعا می‌کنند که توزیع بسیار نابرابر درآمد، شرط لازم برای ایجاد رشد سریع اقتصادی است. در واقع در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ و تا حدودی ۱۹۸۰ تایید صریح و ضمنی این نظریه از طرف اقتصاددانان، چه در کشورهای توسعه یافته و چه در کشورهای توسعه نیافته، موجب شد که توجه فردی و دسته‌جمعی آنان از مسئله فقر و توزیع درآمد منحرف شود. برخلاف این نگرش برخی از اقتصاددانان معتقدند که توزیع عادلانه درآمدها، خود زمینه‌ساز رشد و حتی برای آن الزامی است و با نابرابری نمی‌توان به رشد اقتصادی دست یافت؛ با این حال تجربه کشورهای بسیاری در جهان که توزیع مجدد قبل از رشد را داشته‌اند، مشکلات این استراتژی را روشن می‌کند (Bigsten & Levin, 2000).

ایده اساسی توزیع مجدد درآمد همراه با رشد آن است که سیاست‌های دولتی باید الگوی توسعه‌ای را شکل دهند به طوری که افراد کم‌درآمد فرصت‌های کسب درآمد بهبود یافته را بیابند و همزمان منابع لازم را دریافت کنند تا از آن منتفع شوند. پس از این موضوع بود که رشد و توزیع به ایده غالب مطالعات در این زمینه تبدیل شد (Jmurova, 2017). بنابراین، دو عامل درآمد و توزیع آن در مبحث فقر مورد توجه قرار گرفت؛ افزایش در متوسط درآمد جامعه، فقر را کاهش و افزایش در نابرابری توزیع درآمد، آن

را افزایش می‌دهد و حساسیت فرآیند فقرزدایی نسبت به رشد اقتصادی و نابرابری توزیع درآمد متاثر از درجه تاثیرگذاری این عوامل هستند (Shin, 2020).

برای بررسی موضوع اخیر لازم است که افزایش در درآمد و نابرابری در توزیع آن به صورت مجزا بررسی شوند. اگر رشد اقتصادی باعث افزایش میانگین درآمد شود، این موضوع، فقر را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، اگر رشد اقتصادی، نابرابری توزیع درآمد را افزایش دهد، این روند باعث افزایش فقر خواهد شد (Baharoglu & Kessides, 2020). این در حالی است که در صورتی که رشد اقتصادی باعث افزایش میانگین درآمدها و کاهش نابرابری شود، می‌توان گفت رشد، فقرا را منتفع ساخته است. بنابراین، توجه هم‌زمان به مسئله رشد، توزیع درآمد و فقر منجر به مطالعاتی بسیاری در این زمینه شده است که منجر به پدید آمدن مفهومی به نام رشد فقرزدا شده است (Ravallion & Chen, 2009).

همچنین با توجه به تعهد بین‌المللی برای از بین بردن فقر در کشورهای در حال توسعه در سال‌های اخیر، رابطه بین رشد اقتصادی و کاهش فقر و دستیابی به رشد فقرزدا مورد توجه قرار گرفته است.

تعریف‌های مختلفی از رشد فقرزدا وجود دارد؛ برخی معتقدند که رشد فقرزدا موقعیتی است که در آن افراد فقیر رشدی بیشتر از افرادی که فقیر نیستند، دارند (Jmurova, 2017). گروهی دیگر رشد فقرزدا را به‌عنوان رشدی معرفی کرده‌اند که فقر را به یک مقدار مورد توافق کاهش می‌دهد. این مقدار تاثیر رشد بر توزیع درآمد و بنابراین فقر را در نظر نمی‌گیرد. از این رو، برای تحلیل ارتباط بین رشد اقتصادی و کاهش فقر باید اثرات توزیعی را هم در نظر گرفت که این اثرات توزیعی ممکن است طی زمان، فرآیند کلی رشد را بیشتر یا کمتر از رشد فقرزدا کند (قلی‌زاده، ۱۳۹۵).

در بحث رشد فقرزدا در یک سو کسانی هستند که استدلال می‌کنند مزایای بالقوه رشد اقتصادی برای فقرا تضعیف شده و یا حتی با افزایش شدید نابرابری کاملاً از بین می‌رود (Lopez, 2005). در سوی دیگر، این استدلال است که سیاست‌های اقتصادی لیبرال مانند سیاست‌های پولی، ثبات و بازارهای آزاد درآمد افراد فقیر و سایر افراد جامعه را به تناسب افزایش می‌دهد.

گروهی از اقتصاددانان بر این باورند که فقرا به طور خودکار از رشد اقتصادی منتفع می‌شوند (Beslay, et al., 2003)، اما گروه کثیری معتقدند که رشد اقتصادی به تنهایی برای حذف فقر کافی نیست و نحوه توزیع درآمد نیز منافع فقرا از رشد را تحت تاثیر قرار می‌دهد (Verme, 2006). براساس نتایج مطالعات آن‌ها و به لحاظ منطقی نیز، رشد اقتصادی شرط لازم و نه کافی برای بهبود سطح زندگی شمار زیادی از ساکنان کشورهای است که سطح محصول ناخالص ملی سرانه آن‌ها اندک است. این رشد ضروری است، زیرا در غیر این صورت، افراد فقط از طریق انتقال درآمد و دارایی‌های یکدیگر ثروتمند خواهند شد.

رشد اقتصادی بخشی یا حتی تمام افراد جامعه را قادر خواهد ساخت تا وضعیت رفاه خود را بهبود ببخشند، بی‌آنکه الزاماً وضع کسی بدتر شود. این در حالی است که رشد اقتصادی، شرط کافی برای بهبود سطح زندگی مردم نیست، زیرا توزیع درآمد ایجاد شده نیز مهم است (Kakwani, et al., 2004). بنابراین، تغییر در فقر را می‌توان در دو اثر خلاصه کرد؛ اول، «اثر رشد»^۱ که اثر تغییر نسبی درآمد کل جامعه است به طوری که توزیع درآمد نسبی، ثابت باقی می‌ماند. دوم، «اثر توزیع»^۲ که اثر تغییر در توزیع نسبی درآمد است و مستقل از میانگین درآمد است (Lakner, et al., 2019).

تغییر در فقر را می‌توان توسط تابعی از رشد، توزیع و تغییر در توزیع درآمد نشان داد. این مفهوم با کمک شکل (۱) نشان داده شده است؛ در جایی که شاخص سرشمار فقر زیر منحنی چگالی احتمال و در سمت چپ خط فقر قرار گرفته است؛ این شکل چگالی احتمال توزیع درآمد را برای تعداد مجزای هر سطح از درآمد در مقیاس لگاریتمی بر محور افق نشان می‌دهد (Bourguignon, 2004). حرکت از منحنی اولیه توزیع درآمد به توزیع جدید از یک گام میانی می‌گذرد که یک انتقال افقی از منحنی چگالی احتمال اولیه به منحنی میانی است. به خاطر مقیاس لگاریتمی^۳ که در محور افقی وجود دارد، این تغییر با یک افزایش نسبی یکسان درآمد کل جامعه برابر است و بنابراین «اثر رشد» نامیده می‌شود. در صورت عدم تغییر وضعیت نسبی توزیع درآمد، منحنی میانی به منحنی توزیع

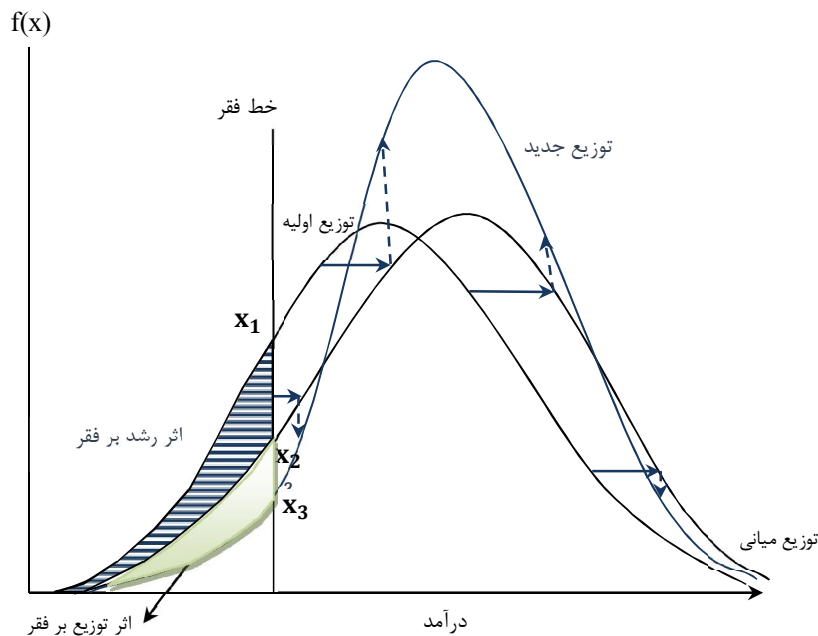
1 Growth Effect

2 Distribution Effect

3 Logarithmic Scale

جدید با ثابت ماندن میانگین درآمد، جابه‌جا می‌شود. این انتقال برابر است با تغییر در توزیع نسبی درآمد یا همان «اثر توزیع». هم فقر و هم نابرابری نقش مهمی در تغییرات کلی فقر ایفا می‌کنند. نکته حائز اهمیت آن است که اثرات نسبی این دو مقوله در جوامع مختلف کاملاً متفاوت است. همچنین اثر این دو با توجه به سطح اولیه نابرابری و درآمد متفاوت است (Bourguignon, 2004).

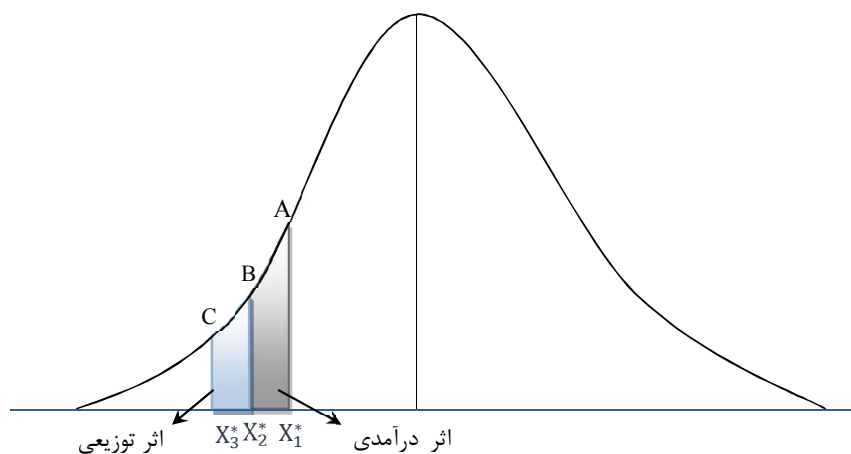
شکل ۱. منحنی توزیع نرمال



در شکل (۱) سه نقطه X_1 ، X_2 و X_3 نقاط تقاطع منحنی‌های توزیع نرمال با خط فقر هستند، اما برای سهولت در اندازه‌گیری اثر رشد و اثر توزیع، می‌توان توزیع‌های نرمال فوق را به توزیع نرمال استاندارد تبدیل کرد. در این راستا می‌توان به یافتن مولفه اول نقاط نظیر X_1 ، X_2 و X_3 روی منحنی توزیع نرمال استاندارد با استفاده از تغییر متغیرهای ذیل پرداخت؛

چنانکه بیان شد حرکت از منحنی اولیه توزیع درآمد در شکل (۱) در اثر افزایش درآمد کل جامعه با فرض ثابت ماندن توزیع درآمد به منحنی میانی نشان‌دهنده اثر رشد است. این جابه‌جایی در شکل (۲) با حرکت از نقطه X_1^* به X_2^* نشان داده می‌شود. در شکل (۲) سطح زیر منحنی در سمت چپ خط عمودی $X = X_1^*$ میزان فقر اولیه را نشان می‌دهد. همچنین سطح زیر منحنی در سمت چپ خط عمودی $X = X_2^*$ میزان فقر پس از تغییرات درآمدی و با فرض ثابت ماندن توزیع را نشان می‌دهد. بنابراین، اختلاف این دو که اثر رشد است در شکل (۲) با چهار ضلعی $abX_1^*X_2^*$ نمایش داده شده است.

شکل ۲. تفکیک اثرهای درآمدی و توزیعی با توزیع نرمال استاندارد



همچنین حرکت از منحنی اولیه توزیع درآمد در شکل (۱) در اثر افزایش درآمد کل جامعه به منحنی توزیع جدید نشان‌دهنده اثر کل است. این جابه‌جایی در شکل (۲) با حرکت از نقطه X_1^* به X_3^* نشان داده می‌شود. علاوه بر این، در شکل (۲) سطح زیر منحنی در سمت چپ خط عمودی $X = X_3^*$ میزان فقر پس از تغییرات درآمدی را نشان می‌دهد. از این رو، در شکل (۲) چهار ضلعی $acX_1^*X_3^*$ نشان‌دهنده اثر کل است. حال واضح است که اثر توزیعی از تفاضل اثر کل و اثر درآمدی به دست می‌آید. بنابراین، در شکل (۲) چهار ضلعی $bcX_1^*X_2^*$ اثر توزیعی را نمایش می‌دهد.

برای سهولت در نمایش هندسی اثرهای رشد و توزیع حالتی در نظر گرفته شد که همزمان با رشد درآمدها شاهد بهبود توزیع درآمد نیز باشیم، از این رو، حالت‌های دیگری که اثرهای رشد، توزیع و یا حتی اثر کل نیز منفی باشد، قابل تصور است. در این حالت‌ها تنها مقدار آن‌ها با مساحت زیر نمودار برابر است. لازم است یادآوری شود که تمامی مقادیر در نمودار فوق مقادیر حقیقی هستند و نه اسمی.

با توجه به نمودار، حال این سوال پیش می‌آید که چگونه روی منحنی نرمال استاندارد سه خط فقر متفاوت وجود دارد؟ که باید گفت این اتفاق به خاطر تغییر مقادیر در تغییر متغیرها روی داده است و در واقع این سه نقطه روی سه منحنی نرمال استاندارد متفاوت قرار دارند که در شکل فوق در یک نمودار آورده شده است. به عبارت دیگر، این فقرا هستند که به علت افزایش درآمد ناشی از بهبود توزیع و یا رشد میانگین درآمد جامعه روی این منحنی به سمت راست حرکت می‌کنند و خط فقر ثابت می‌ماند.

اینکه فقر تابعی از رشد، توزیع و تغییرات آن باشد برای اولین بار توسط بورگینون در سال ۲۰۰۴ پیشنهاد شده است که پس از آن در سال ۲۰۱۷ تحت این فرض که توزیع Log-Normal باشد، تعمیم یافت. این روش یک تقریب استاندارد از توزیع تجربی در ادبیات کاربردی است.

۳. پیشینه پژوهش

مطالعات خارجی زیادی در حوزه فقر و تا حدی نیز درباره رشد فقرزدا انجام شده است که در ادامه به طور خلاصه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

کاکوانی و پرنیا^۱ (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «رشد فقرزدا چیست؟» شاخصی معرفی می‌کنند که میزان فقرزدایی رشد را مشخص می‌کند. این شاخص در صورتی که رشد اقتصادی مثبت باشد از تقسیم کردن تغییرات فقر بر تاثیر خالص رشد بر فقر به دست می‌آید و در صورتی که رشد اقتصادی منفی باشد از تقسیم کردن تاثیر خالص رشد بر تغییرات فقر حاصل می‌شود. آن‌ها از این شاخص برای تحلیل رشد اقتصادی در

1 Kakwani, N. & Pernia, E.

سه کشور جمهوری کره، تایلند و جمهوری لائوس استفاده کرده و نتیجه گرفته‌اند که رشد طی دوره مورد بررسی در هیچ کدام فقرزدا نبوده است.

راولیون^۱ (۲۰۰۴) در مقاله «مفاهیم بنیادی رشد فقرزدا» به بررسی روش‌های رایج در تعریف و اندازه‌گیری رشد می‌پردازد و به دنبال این حقیقت است که چه رشدی فقرزداست. وی به این نتیجه دست یافت که مقایسه سیاست‌های اقتصادی برای ترکیب صحیح سیاست‌های ترویجی رشد با سیاست‌های کاهش فقر، می‌تواند این مسئله را معین کند که آیا فقرا از رشد بهره‌برده‌اند و از فرصت‌های ایجاد شده استفاده کرده‌اند یا خیر. بنابراین، اگر کشوری از ترکیب سیاست‌ها به درستی بهره‌گیرد، می‌تواند هم به رشد و هم به کاهش فقر سرعت ببخشد در غیر این صورت ممکن است هر دو متوقف شوند.

تیمر^۲ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «چگونه کشور اندونزی فقر را با رشد سریع اقتصادی پیوند زد؟» به بررسی سیاست‌های رشد فقرزدا در اندونزی پرداخته است. وی محرک‌های رشد و چگونگی تغییرات آن‌ها در طول زمان را تجزیه و تحلیل و کشش فقر نسبت به رشد را محاسبه کرده است و رشد اقتصادی را منبع اصلی کاهش پایدار فقر در اندونزی دانسته و معتقد است که سیاست‌های فقرزدایی در اندونزی مبتنی بر یک استراتژی بوده که رشد سریع اقتصادی را با سرمایه‌گذاری‌ها و سیاست‌هایی که متضمن رسیدن عایدات رشد به فقرا بوده ترکیب کرده است که این استراتژی از طریق کاهش هزینه‌های معاملاتی فعالیت در بازارهای عوامل و محصول، اقتصاد کلان را با اقتصاد خانوار پیوند داده است.

راشدان^۳ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «طبقه متوسط و رشد فقرزدا در مصر» بر اساس روش راولیون و چن^۴ (۲۰۰۳)، کاکوانی و پرنیا (۲۰۰۰) و کاکوانی و همکاران^۵ (۲۰۰۳) سه شاخص را برآورد می‌کند تا فقرزدا بودن یا نبودن تغییرات توزیعی را تعیین کند. وی یک آستانه را مبنی بر میانه درآمدی جامعه برای اندازه‌گیری طبقه متوسط پیشنهاد می‌کند که شامل کسانی است که بین خط فقر و میانه درآمدی جامعه قرار

1 Ravallion, M.

2 Timer, P.

3 Rashdan, A.

4 Ravallion, M. & Chen, S.

5 Kakwani, N., et al.

می‌گیرند. علاوه بر این، او معتقد است که تعریف طبقه متوسط مبتنی بر تجزیه و تحلیل توزیع درآمد در کنار تعاریف مبتنی بر درآمد، بیشتر مورد نیاز است.

شوگری و همکاران^۱ (۲۰۱۷) در مطالعه «یادداشتی در مورد رابطه فقر، رشد و نابرابری: شواهدی از کشورهای آفریقای جنوبی» با استفاده از داده‌های بودجه خانوار، رابطه بین رشد، نابرابری و فقر را در پانلی متشکل از ۴۲ کشور آفریقای جنوبی بررسی می‌کنند و با ارائه شاخصی مبنی بر مساوات و برابری به بررسی داده‌های موردنظر می‌پردازند. نتایج این مطالعه حاکی از رابطه خطی منفی و مجانبی بین میانگین درآمد جامعه مورد بررسی و سطح نابرابری است.

پانری^۲ و همکاران (۲۰۱۹) مروری بر ادبیات فقر شهری را به‌طور خلاصه ارائه داده‌اند. آن‌ها معتقدند با وجود سال‌ها تحقیق در زمینه فقر شهری، هنوز هیچ مطالعه‌ای انجام نشده است که ساختار کلی فکری این حوزه را به‌طور کامل تجزیه و تحلیل کند. از این رو، با تأکید بر این شکاف، یک مطالعه کتاب‌شناختی درباره ادبیات علمی فقر شهری ارائه داده‌اند. این مطالعه ترکیبی از تحلیل استنادی نویسنده و تکنیک‌های استخراج متن برای الگوبرداری از جوامع اصلی تحقیقاتی و تولیدکنندگان دانش اصلی است که زمینه تحقیق درباره فقر شهری را شکل می‌دهند.

کاپونو^۳ (۲۰۲۲) در مطالعه خود تکامل و تجزیه فقر و نابرابری در فیلیپین را با استفاده از نظرسنجی‌های رسمی ملی خانوار بررسی کرده است. وی دریافت که رشد طی دهه اخیر -برخلاف قبل- به‌طور مداوم فقرزدا بوده و رشد و توزیع مجدد در جهت کاهش فقر هم‌راستا بوده‌اند. وی تأکید می‌کند که رشد به تنهایی کاهش فقر را تضمین نمی‌کند، در حالی که رشد همراه با باز توزیع درآمدها توسط دولت، می‌تواند به رشد فقرزدا بینجامد.

موضوع فقر در سال‌های اخیر در ایران نیز اهمیت خاصی یافته است. به همین دلیل تلاش‌های فراوانی در قالب مطالعات پژوهشی، همایش‌های مختلف و برنامه‌های

1 Shoukri, A., et al.

2 Panori, A., et al.

3 Capuno, J.

فقرزدایی انجام شد تا فقر در ایران از ابعاد مختلف بررسی شود. در ادامه مواردی از مطالعات داخلی که در این زمینه صورت گرفته است، ارائه خواهد شد.

فرهمنند و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان «اثر تولید و رشد بخشی بر فقر و رفاه اجتماعی در استان‌های ایران» به بررسی وضعیت فقر و رفاه به تفکیک استان‌های کشور می‌پردازند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد با وجود افزایش رفاه خانوارها، نابرابری درآمدی در بین دهک‌های مختلف درآمدی افزایش پیدا کرده و رشد بخش‌ها باعث افزایش اختلاف طبقاتی گروه‌های درآمدی در استان‌های مختلف کشور شده و رشد اقتصادی باعث افزایش سطح رفاه خانوارها شده، اما با افزایش نابرابری باعث افزایش فقر نسبی نیز شده است.

راغفر و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه «بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران» به بررسی پدیده فقر طی برنامه اول تا چهارم توسعه می‌پردازند. برای این منظور کشش‌های فقر نسبت به رشد اقتصادی و نابرابری محاسبه می‌شود و در نهایت چگونگی توزیع منافع ناشی از رشد به کمک شاخص نرخ رشد معادل فقر کاکوانی و سان^۱ (۲۰۰۸) مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که با وجود برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور، سیاست اثرگذاری برای دستیابی به رفاه و آسایش مستمر دنبال نشده است.

فطرس و شهبازی (۱۳۹۵) به بررسی روند فقر و نابرابری در مناطق روستایی ایران پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه دلالت بر آن دارد که در طول برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه، فقر در مناطق روستایی ایران کاهش یافته و در طول برنامه پنج ساله چهارم توسعه افزایش یافته و در نهایت با توجه به برنامه پنج ساله پنجم توسعه پس از اجرای قانون هدفمندی یارانه‌های نقدی، فقر در سال ۱۳۹۰ کاهش و در سال‌های پس از آن مجدد اندکی افزایش یافته است.

مولایی و رحیمی‌راد (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت فقر در خانوارهای شهری ایران طی پنج برنامه توسعه اقتصادی ایران پرداخته‌اند. آن‌ها خط فقر پنج برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را با بهره‌گیری از ۸ گروه کالایی به دست آورده،

1 Kakwani, N & Son, H.

سپس شدت فقر را در مناطق شهری کشور بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که خط فقر در خانوارهای شهری طی دوره مورد بررسی افزایشی بوده است. بهبودی و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان «اندازه‌گیری و مقایسه درجه رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی» ارتباط بین سه مفهوم توسعه‌ای فقر، نابرابری و رشد را با استفاده از شاخص کاکوانی و پرنیا و کاکوانی و سان در ۹ کشور اسلامی پرداخته‌اند. نتایج به‌دست آمده این مطالعه نشان می‌دهد که نمی‌توان به طور کلی رشد را در کشورهای اسلامی نسبتاً فقرزدا دانست.

حیدری و همکاران (۱۴۰۰) روند فقر و نابرابری در استان هرمزگان و کل کشور را بررسی کرده و به این نتیجه دست یافته‌اند که فقر و نابرابری در مناطق شهری استان هرمزگان از فقر و نابرابری در مناطق روستایی استان کمتر بوده و در استان هرمزگان از فقر در کشور بیشتر بوده است؛ در حالی که نابرابری در استان هرمزگان به‌طور معنادار از کشور کمتر بوده است.

با مرور مطالعات صورت گرفته قبلی مزیت مطالعه حاضر و روش استفاد شده در آن این است که وقتی حجم نمونه بزرگ می‌شود، توزیع به سمت توزیع نرمال میل می‌کند و مقادیر واقعی‌تری را نشان می‌دهد. علاوه بر این، در روش توزیع نرمال، مقادیر مختلف سطح زیر منحنی و احتمالات آن در توابع و نرم‌افزارهای مختلف همچون اکسل وجود دارد و این خود سادگی محاسبه و دقت آن را افزایش می‌دهد. از این رو، می‌توان گفت در روش حاضر، نتایج دقیق‌تر بوده و بیشتر دارای اعتبارند.

چنانکه در مبانی نظری عنوان شد، فقر به دو عامل درآمد و توزیع آن وابسته است؛ از این رو، توجه همزمان به مسئله رشد، توزیع درآمد و فقر مستلزم بررسی این دو عامل است. بنابراین؛ برای تحلیل ارتباط بین رشد اقتصادی و کاهش فقر در مطالعه حاضر با استفاده از دو کانال توزیعی و درآمدی اثر رشد بر فقر تجزیه شده است. همچنین نظر به اینکه توزیع نرمال یکی از مهم‌ترین توزیع‌های احتمال بوده و بسیاری از داده‌هایی که از پدیده‌های طبیعی به دست می‌آیند از این توزیع پیروی می‌کنند و براساس قضیه حد مرکزی نیز بسیاری از متغیرهای تصادفی تحت شرایط خاص از توزیع نرمال پیروی می‌کنند، می‌توان محاسبات ساده‌تر و دقیق‌تری را به نسبت سایر روش‌های رایج در این

زمینه به این شیوه انجام داد؛ از این رو؛ محققین در مطالعه حاضر برای تجزیه اثر رشد بر فقر از این الگو استفاده کرده و از ویژگی‌های مطلوب آن در تحلیل و محاسبات بهره‌مند شده‌اند.

۴. روش پژوهش

برای سهولت در اندازه‌گیری اثر رشد و اثر توزیع می‌توان توزیع‌های نرمال را به توزیع نرمال استاندارد تبدیل کرد. اگر x_1 ، x_2 و x_3 نقاط تقاطع منحنی‌های توزیع نرمال با خط فقر باشند در این راستا می‌توان با یافتن مولفه اول نقاط نظیر x_1 ، x_2 و x_3 روی منحنی توزیع نرمال استاندارد با استفاده از تغییر متغیرهای ارائه شده در رابطه‌های (۱)، (۲) و (۳) پرداخت.

$$x_1^* = \frac{z - \mu_1}{\delta_1} \quad (۱)$$

$$x_2^* = \frac{z - \mu_2}{\delta_1} \quad (۲)$$

$$x_3^* = \frac{z - \mu_2}{\delta_2} \quad (۳)$$

در رابطه‌های (۱)، (۲) و (۳)، z خط فقر درآمدی^۱، μ_1 میانگین درآمد سرانه در ابتدای دوره، δ_1 انحراف معیار درآمد سرانه در ابتدای دوره، μ_2 میانگین درآمد سرانه در انتهای دوره و δ_2 انحراف معیار درآمد سرانه در انتهای دوره هستند. با توجه به اینکه حرکت از مقدار اولیه توزیع درآمد در اثر افزایش درآمد کل جامعه با فرض ثابت ماندن توزیع درآمد به مقدار میانی نشان‌دهنده اثر رشد است، این جابه‌جایی حرکت از x_1^* به x_2^* است. سطح زیر منحنی نرمال استاندارد در سمت چپ خط عمودی $x = x_1^*$ میزان فقر اولیه را نشان می‌دهد (رابطه ۴). همچنین سطح زیر منحنی در سمت چپ خط عمودی $x = x_2^*$ همانطور که در رابطه ۵ نشان داده شده

۱ خط فقر مورد نظر در مطالعه حاضر ۶۶ درصد میانگین درآمد خانوار در جامعه مورد مطالعه است.

است، میزان فقر پس از تغییرات درآمدی و با فرض ثابت ماندن توزیع را نشان می‌دهد. بنابراین مطابق با رابطه ۶، اختلاف این دو اثر خالص رشد است.

$$(۴) \quad P(x < x_1^*) = \text{فقر اولیه}$$

$$(۵) \quad P(x < x_2^*) = \text{فقر پس از رشد با فرض ثابت ماندن توزیع}$$

$$(۶) \quad \text{اثر درآمدی} = P(x < x_1^*) - P(x < x_2^*)$$

$f(x)$ تابع چگالی احتمال و $P(x < x_i)$ احتمال تجمعی x_i است که مقدار آن در رابطه (۷) نشان داده شده است:

$$(۷) \quad P(x < x_i) = \int_{-\infty}^{x_i} f(x) dx$$

همچنین حرکت از منحنی اولیه توزیع درآمد در اثر افزایش درآمد کل جامعه به منحنی توزیع جدید نشان‌دهنده اثر کل است. این جابه‌جایی در واقع حرکت از نقطه x_1^* به x_3^* است. علاوه بر این، سطح زیر منحنی لوگ نرمال در سمت چپ خط عمودی $x = x_3^*$ میزان فقر پس از تغییرات درآمدی را نشان می‌دهد که در رابطه (۸) نشان داده شده است:

$$(۸) \quad P(x < x_3^*) = \text{فقر نهایی}$$

$$(۹) \quad \text{اثر کل} = P(x < x_1^*) - P(x < x_3^*)$$

حال اثر توزیعی از تفاضل اثر کل (رابطه ۹) و اثر درآمدی (رابطه ۶) به دست می‌آید. بنابراین، مجموع این دو، اثر توزیعی را نمایش می‌دهد و اثر توزیعی آن بخشی از تغییر در فقر است که با فرض ثابت ماندن میانگین درآمدها برآورد می‌شود.

۵. یافته‌های پژوهش

نرخ فقر و میزان فقر بر مبنای توزیع نرمال برای کل کشور و همین‌طور به تفکیک مناطق شهری استان‌های کشور در جدول (۱) گزارش شده است.

نتایج این شاخص‌ها در سطح کشور طی دوره‌های یک ساله در دوره ۹۸-۱۳۹۲ نمایش داده است که نشان می‌دهد نرخ فقر در تمام دوره‌های یک ساله مورد بررسی در انتهای سال به نسبت ابتدای سال افزایش یافته است. تنها استثنا مربوط به دوره ۹۶-۱۳۹۵ است که نرخ فقر از ۰/۲۱۵۸۵۴ به ۰/۱۹۴۷۴۹ کاهش یافته است.

با در نظر گرفتن نتایج شاخص فقر در ابتدای دوره، میان دوره و انتهای دوره نیز می‌توان ملاحظه کرد که تمام دوره‌های یک ساله حاکی از افزایش فقر هستند؛ بجز دو دوره ۹۵-۱۳۹۴ و ۹۶-۱۳۹۶. در این دو دوره می‌توان آثار کاهش فقر را ملاحظه کرد. البته در دوره یک ساله ۹۵-۱۳۹۴ این میزان کاهش به شدت اندک بوده است. همچنین در ردیف‌های ششم تا هشتم این جدول می‌توان آثار درآمدی، توزیعی و کل رشد بر فقر را مشاهده کرد.

جدول ۱. نرخ فقر، شاخص‌ها و اثرهای فقر بر مبنای توزیع نرمال در سطح کشور طی دوره ۹۸-

۱۳۹۲

	۹۸-۹۷	۹۷-۹۶	۹۶-۹۵	۹۵-۹۴	۹۴-۹۳	۹۳-۹۲	
نرخ فقر	سال اول	۰/۱۸۹۴۰	۰/۲۰۵۴۰۱	۰/۲۲۵۴۷۸	۰/۲۱۵۸۵۴	۰/۱۹۴۷۴۹	۰/۲۲۷۲۲۴
	سال دوم	۰/۲۰۵۴۰	۰/۲۲۵۴۷۸	۰/۲۱۵۸۵۴	۰/۱۹۴۷۴	۰/۲۲۷۲۲۴	۰/۲۲۷۹۶۲۶
فقر	ابتدای دوره	۰/۱۹۹۳۹	۰/۲۲۱۷۹۵	۰/۲۳۲۷۹۳	۰/۲۲۷۴۷	۰/۲۰۵۰۹۷	۰/۲۳۷۲۰۷
	میان دوره	۰/۲۱۱۵۴۹	۰/۲۳۵۰۷۷	۰/۲۲۳۶۷	۰/۲۰۱۱۰	۰/۲۲۹۶۷۷	۰/۲۸۵۱۱۳
	انتهای دوره	۰/۲۲۱۷۹	۰/۲۳۲۷۹۳	۰/۲۲۷۴۷۸	۰/۲۰۵۰۹	۰/۲۳۷۲۰۷	۰/۲۸۰۳۹۹
اثر	درآمدی	۰/۰۱۲۱۵۱	۰/۰۱۳۲۸۲۳	۰/۰۰۹۱۲	-۰/۰۲۳۳۷	۰/۰۲۴۵۷۹	۰/۰۴۷۹۰۶
	توزیعی	۰/۰۱۰۲۴	-۰/۰۰۲۲۸۳	۰/۰۰۳۸۰۷	۰/۰۰۳۹۹	۰/۰۰۷۵۲۹	-۰/۰۰۴۷۱۳
	کل	۰/۰۲۲۳۹	۰/۰۱۰۹۹۸۵	-۰/۰۰۵۳۱	-۰/۰۰۲۲۳	۰/۰۳۲۱۰۹	۰/۰۴۳۱۹۲۵

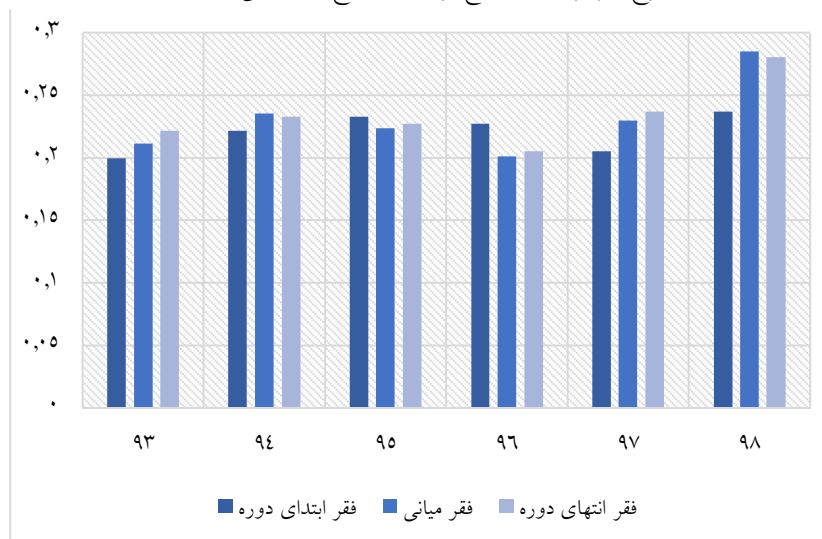
منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج این آثار حاکی از کاهش فقر به میزان ۰/۰۲۲۳۸- در دوره ۹۶-۱۳۹۵ و کاهش بسیار ناچیز فقر به میزان ۰/۰۰۵۳۱۵- در دوره ۹۵-۱۳۹۴ است. تجزیه این اثر به دو اثر

توزیعی و درآمدی (چنانکه شرح آن در مبانی نظری گذشت) منشا کاهش فقر را مشخص کرده است. طی دو دوره مورد اشاره کاهش فقر به علت آثار درآمدی رشد بر فقر بوده است و آثار ناشی از توزیع درآمد فقر را افزایش داده است. با این حال افزایش ایجاد شده به قدری نبوده است که بتواند آثار درآمدی کاهش فقر را به طور کامل از بین ببرد، اگرچه که بخشی از آن را خنثی کرده است؛ بنابراین، در نهایت برآیند این دو اثر منجر به کاهش فقر شده است.

بررسی آثار رشد بر فقر در سایر دوره‌های یک ساله نیز حکایت از بیشترین میزان افزایش فقر در دوره آخر را دارد. در این دوره با وجود آنکه آثار توزیعی فقر را به میزان $0/04713-$ کاهش داده است، اما افزایش فقر، ناشی از آثار درآمدی به قدری بوده که تمامی این کاهش اندک را خنثی کرده و در نهایت منتج به افزایش کلی معادل $0/0431925$ شده است. وضعیت در دوره $94-1393$ نیز مشابه همین حالت است. در دو دوره $93-1393$ و $97-1396$ وضعیت فقرا توسط هر دو اثر درآمدی و توزیعی بدتر شده است و در نهایت فقر در این دو دوره به ترتیب $0/0223975$ و $0/0321095$ افزایش یافته است.

نمودار ۱. نرخ فقر بر مبنای توزیع نرمال در سطح کشور طی دوره $98-1392$

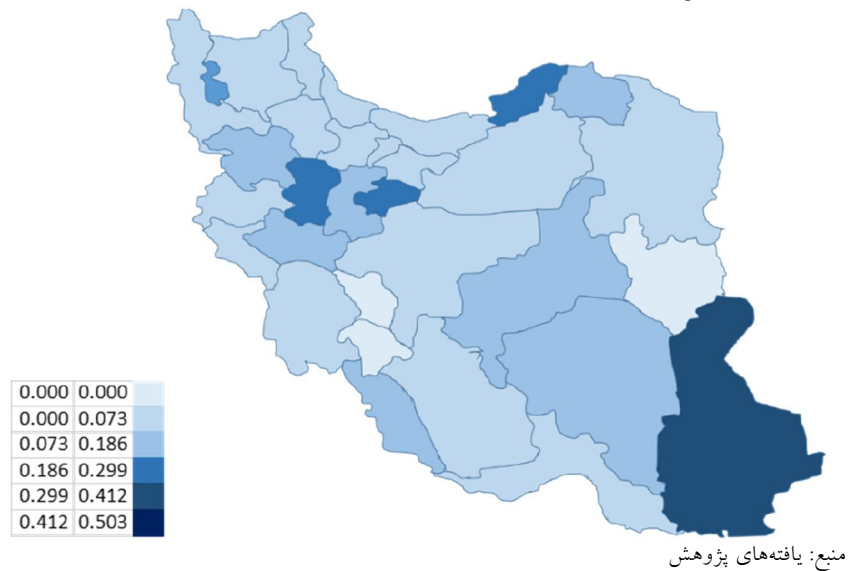


منبع: یافته‌های پژوهش

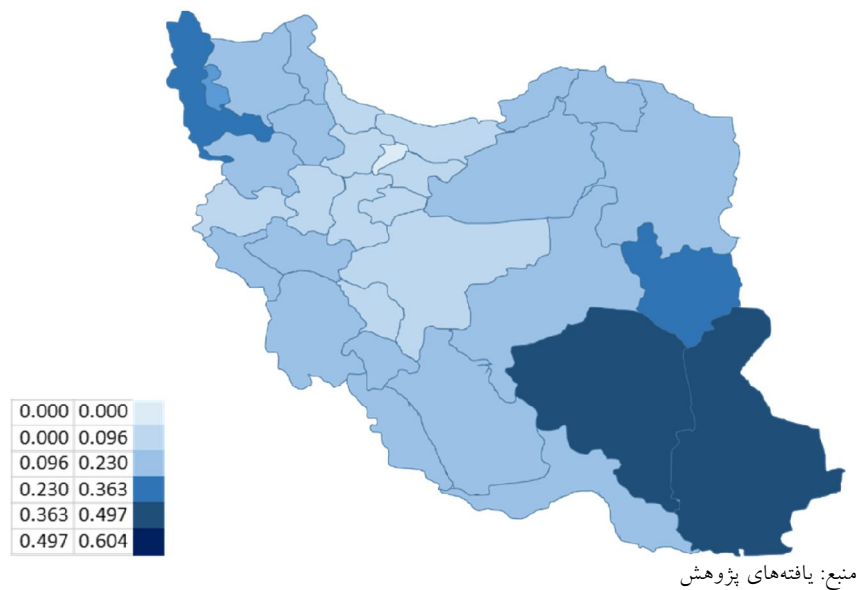
در نمودار (۱)، نتایج برآورد توزیع نرمال نمایش داده شده است. چنانکه مشاهده می‌شود در دوره‌های ۱۳۹۲-۹۳ و ۱۳۹۶-۹۷ فقر در ابتدا، میان و انتهای دوره روند صعودی داشته است. در دوره‌های ۱۳۹۳-۹۴ و ۱۳۹۷-۹۸ با وجود اینکه فقر در میان دوره به نسبت ابتدای دوره افزایش یافته، اما در انتهای دوره نسبت به میان دوره کاهش یافته است. با این حال همچنان از میزان فقر در ابتدای دوره بیشتر بوده است. در دو دوره میانی ۱۳۹۴-۹۵ و ۱۳۹۵-۹۶ میزان فقر در انتهای دوره کمتر از میزان فقر در ابتدای دوره است؛ با این حال در میان دوره وضعیت فقرا بهتر بوده است و نسبت به ابتدا و انتهای دوره‌های یک‌ساله مورد اشاره فقرا وضعیت بهتری داشته‌اند، اما این وضعیت پایدار نبوده و تا انتهای دوره با اندکی افزایش در فقر مواجه بوده است. در مقایسه سال‌های مختلف دوره مورد بررسی نیز می‌توان ملاحظه کرد که در ابتدای دوره‌های یک‌ساله فقر در سال ۱۳۹۲-۹۳ نسبت به سایر سال‌ها در کمترین میزان قرار داشته است. در مقابل بیشترین میزان فقر در ابتدای دوره یک‌ساله مربوط به سال ۱۳۹۷-۹۸ است.

در شکل‌های (۱) و (۲) به ترتیب فقر در ابتدا و انتهای دوره ۱۳۹۲-۹۸ نمایش داده شده است. چنانکه مشاهده می‌شود در انتهای دوره فقر در مناطق شهری استان‌های قم، همدان، گلستان، مرکزی و البرز کاهش قابل توجهی داشته است. وضعیت استان مازندران تقریباً باثبات بوده و تغییر چشمگیری نیافته است. در مناطق شهری استان‌های تهران، یزد و اصفهان نیز افزایش بسیار اندکی را پشت سر گذاشته‌اند. فقر در مناطق شهری اغلب استان‌های دیگر افزایش محسوسی یافته و وضعیت فقرا نسبت به ابتدای دوره بدتر شده است. بیشترین افزایش فقر طی دوره به مناطق شهری استان‌های خراسان جنوبی، کرمان و آذربایجان غربی مربوط است.

شکل ۱. فقر در مناطق شهری استان‌های ایران در ابتدای دوره ۱۳۹۲-۹۸



شکل ۲. فقر در مناطق شهری استان‌های ایران در انتهای دوره ۱۳۹۲-۹۸



تشریح تغییرات وضعیت مناطق شهری استان‌های کشور و تجزیه تغییرات بر مبنای اثر درآمدی و توزیعی رشد بر فقر در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول ۲. تجزیه فقر طی دوره ۹۸-۱۳۹۲ در مناطق شهری استان‌های ایران

رشد	اثر			فقر			مناطق شهری استان‌ها	دوره
	کل	توزیعی	درآمدی	انتهای دوره	میان دوره	ابتدای دوره		
-۰/۲۰۴	۰/۱۴	۰/۱۲۵	۰/۰۱۵	۰/۱۸۱۴	۰/۱۶۱۵	۰/۱۵۹۱	آذربایجان شرقی	۱
-۰/۳۴۱	۰/۲۸۶۴	۰/۲۱۸۲	۰/۰۶۸۲	۰/۲۲۲۲	۰/۱۸۴۵	۰/۱۷۲۸	آذربایجان غربی	
-۰/۲۰۸	۰/۱۹۵۳	۰/۱۶۸	۰/۰۲۷۳	۰/۱۹۶۸	۰/۱۶۹۱	۰/۱۶۴۶	ایلام	
-۰/۲۷۲	۰/۱۸۶۸	۰/۱۵۵	۰/۰۳۱۸	۰/۰۷۶۶	۰/۰۶۶۶	۰/۰۶۴۵	چهارمحال و بختیاری	
-۰/۴۴۶	۰/۴۲۹۲	۰/۳۲۵۴	۰/۱۰۳۹	۰/۰۷۱۴	۰/۰۵۵۱	۰/۰۴۹۹	خراسان جنوبی	
-۰/۱۰۶	۰/۰۹۲۴	۰/۰۸۰۵	۰/۰۱۱۹	۰/۲۴۴۳	۰/۲۲۶۳	۰/۲۲۳۶	خراسان شمالی	
-۰/۰۷۰	۰/۱۴۴۲	۰/۰۴۷۴	۰/۰۹۶۹	۰/۱۳۱۷	۰/۱۲۶۲	۰/۱۱۵۱	زنجان	
-۰/۲۵۶	۰/۲۳۶۶	۰/۲۳۱۱	۰/۰۰۵۵	۰/۲۱۸۲	۰/۱۷۷۴	۰/۱۷۶۵	سمنان	
-۰/۱۲۳	۰/۰۸۰۳	۰/۰۷۰۹	۰/۰۰۹۴	۰/۱۹۷۴	۰/۱۸۴۴	۰/۱۸۲۷	فارس	
-۰/۰۸۰	۰/۰۴۲۲	۰/۰۲۷	۰/۰۱۵۲	۰/۲۱۱۱	۰/۲۰۵۶	۰/۲۰۲۶	کردستان	
-۰/۲۰۵	۰/۱۶۸۳	۰/۱۵۴۷	۰/۰۱۳۶	۰/۱۴۶۷	۰/۱۲۷۲	۰/۱۲۵۵	کرمانشاه	
-۰/۱۶۷	۰/۱۹۴۱	۰/۰۹۹۸	۰/۰۹۴۳	۰/۰۷۴۷	۰/۰۶۸۵	۰/۰۶۲۶	کهگیلویه و بویراحمد	
-۰/۲۰۵	۰/۱۱۲۵	۰/۰۷۲	۰/۰۴۰۵	۰/۱۲۶۶	۰/۱۱۸۴	۰/۱۱۳۸	گیلان	
-۰/۰۶۶	۰/۰۵۱۵	۰/۰۴۷۴	۰/۰۰۴۲	۰/۲۴۸۵	۰/۲۳۶۳	۰/۲۳۶۳	لرستان	
۰/۰۷۹۱	۰/۰۱۲۶	-۰/۰۰۴	۰/۰۵۲۶	۰/۰۹۷۳	۰/۱۰۱۱	۰/۰۹۶	تهران	۲
۰/۰۱۴۹	۰/۰۱۵۱	-۰/۰۱۶	۰/۰۳۱۱	۰/۲۳۹۱	۰/۲۴۲۹	۰/۲۳۵۶	یزد	
-۰/۰۴۷	-۰/۰۴۱	۰/۰۳۳۸	-۰/۰۷۵	۰/۱۸۵۵	۰/۱۷۹	۰/۱۹۳۶	مرکزی	۳
۰/۲۶۶۲	-۰/۲۲۶	-۰/۲۰۱	-۰/۰۲۴	۰/۲۸۷۲	۰/۳۶۲	۰/۳۷۱	قم	۴
۰/۱۵۹۹	-۰/۰۲۰	-۰/۰۷۳	۰/۰۵۳۱	۰/۰۸۳۳	۰/۰۸۸۵	۰/۰۸۴۱	البرز	۵
۰/۰۳۹۸	-۰/۰۱۲	-۰/۱۹۲	۰/۱۸۰۵	۰/۳۳۳۳	۰/۳۹۸۳	۰/۳۳۷۴	گلستان	
۰/۳۸۲۷	-۰/۱۷۳	-۰/۳۲۳	۰/۱۵۰۱	۰/۲۶۱۷	۰/۳۶۴۱	۰/۳۱۶۶	همدان	

ادامه جدول ۲.

رشد	اثر			فقر			مناطق شهری استان‌ها	شماره
	کل	توزیعی	درآمدی	انتهای دوره	میان‌دوره	ابتدای دوره		
-۰/۲۳۵	۰/۱۷۲۸	۰/۲۱۹۷	-۰/۰۴۶	۰/۱۹۶۶	۰/۱۵۹۸	۰/۱۶۷۷	اردبیل	۶
-۰/۱۵۰	۰/۰۲۷۸	۰/۰۸۵۶	-۰/۰۵۷	۰/۱۳۶۵	۰/۱۲۵۱	۰/۱۳۲۸	اصفهان	
-۰/۰۷۹	۰/۰۴۱۶	۰/۰۶۶۹	-۰/۰۲۵	۰/۲۲۳۷	۰/۲۰۹۴	۰/۲۱۴۸	بوشهر	
-۰/۱۳۶	۰/۰۹۰۶	۰/۱۱۰۳	-۰/۰۱۹	۰/۲۰۱۴	۰/۱۸۱۱	۰/۱۸۴۷	خراسان رضوی	
-۰/۲۳۴	۰/۱۸۷	۰/۱۸۹۳	-۰/۰۰۲	۰/۱۶۸۴	۰/۱۴۱۶	۰/۱۴۱۹	خوزستان	
-۰/۱۰۳	۰/۰۳۸۸	-۰/۰۰۰۳	۰/۰۳۹۱	۰/۵۲۲	۰/۵۲۲۲	۰/۵۰۲۵	سیستان و بلوچستان	
-۰/۲۱۲	۰/۱۱۶۵	۰/۱۴۲	-۰/۰۲۵	۰/۱۲۴۱	۰/۱۰۸۳	۰/۱۱۱۱	قزوین	
-۰/۴۰۵	۰/۳۱۱۱	۰/۳۲۷۵	-۰/۰۱۶	۰/۳۶۳۲	۰/۲۷۲۵	۰/۲۷۷	کرمان	
-۰/۰۲۰	۰/۰۱۶۲	۰/۰۳۳	-۰/۰۱۶	۰/۱۱۱۳	۰/۱۰۷۷	۰/۱۰۹۵	مازندران	
-۰/۰۶۳	۰/۰۶۷۲	-۰/۰۰۴۷	۰/۱۱۴۸	۰/۱۶۵۲	۰/۱۷۲۶	۰/۱۵۴۸	هرمزگان	

منبع: یافته‌های پژوهش

می‌توان نتایج به دست آمده را برای مناطق شهری استان‌های کشور در ۶ گروه طبقه‌بندی کرد:

- گروه اول: مناطق شهری استان‌هایی را دربر می‌گیرد که طی دوره برای آن‌ها رشد کاهش و نابرابری افزایش یافته است. از این رو، هر دو عامل تشدیدکننده فقر در این دسته به زیان فقرا عمل کرده و فقر را افزایش داده‌اند؛ بنابراین، طی دوره ۹۸-۱۳۹۲ در مناطق شهری استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، فارس، کردستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان و لرستان رشد فقرزدا وجود نداشته است و این مسئله از دو عامل تغذیه می‌شود؛ ۱- در مناطق شهری این استان‌ها طی دوره مورد بررسی رشد منفی بوده است، از این رو، کاهش درآمدی حاکی از افزایش فقر است. ۲- توزیع درآمدها به زیان فقرا عمل کرده و نابرابری در سطح مناطق شهری این استان‌ها افزایش یافته و این مورد نیز به شدت به ضرر فقرا بوده است.

- گروه دوم: در این گروه رشد طی دوره مورد بررسی وجود داشته است، اما موضوع اصلی این است که در مناطق شهری استان‌های این گروه رشد به نفع فقرا نبوده است و با وجود اینکه اثر درآمدی کاهنده فقر بوده است، اما تغییر در وضعیت توزیع درآمدها به

نحوی بوده است که نه تنها آثار مثبت رشد برای فقرا را خنثی کرده است، بلکه در نهایت منتهی به افزایش فقر نیز شده است. از این رو، فقرا در مناطق شهری استان‌های تهران و یزد از رشد موجود در این دوره منتفع نشده‌اند و رشد به واسطه افزایش در نابرابری فقر را وخیم‌تر کرده است؛ بنابراین، در این گروه رشد طی دوره فقرزا بوده است.

- گروه سوم: در این گروه وضعیت به طور کامل برعکس گروه دوم است. این گروه که تنها مناطق شهری استان تهران در آن جای گرفته‌اند با وجود آنکه طی دوره، رشد منفی بوده و اثر درآمدی فقر را افزوده است، اما بهبود در وضعیت توزیع درآمدها به میزانی بوده است که آثار مخرب این رشد منفی را از بین برده و از طریق کاهش نابرابری منجر به کاهش فقر در سطح این استان شده است؛ از این رو، اثر توزیعی، کاهش فقر و بسیار بزرگ‌تر از اثر درآمدی می‌باشد. با این حال نظر به اینکه در این گروه طی دوره رشدی وجود نداشته است، نمی‌توان این کاهش فقر را رشد فقرزا نامید.

- گروه چهارم: در این گروه که تنها مناطق شهری استان قم در آن قرار می‌گیرد، طی دوره مورد بررسی رشد فقرزا مشاهده می‌شود؛ به این مفهوم که در این گروه علاوه بر آنکه رشد وجود داشته است، بلکه فقرا نیز از این رشد منتفع شده‌اند. در تجزیه رشد این گروه می‌توان دریافت که اثر درآمدی فقر را کاهش داده و نابرابری نیز کاهش یافته است؛ از این رو، اثر توزیعی نیز کاهش فقر بوده است. بنابراین، هر دو کانال اثرگذاری رشد بر فقر در یک راستا و به سود فقرا عمل کرده‌اند.

- گروه پنجم: در این گروه که مناطق شهری استان‌های البرز، گلستان و همدان در آن قرار می‌گیرند، طی دوره مورد بررسی رشد سرریز را پشت سر نهاده‌اند؛ به نحوی که در این گروه رشد مثبت بوده و اثر درآمدی فقر را کاهش داده است؛ اما وضعیت توزیع درآمدها به زیان فقرا بوده و بر نابرابری در جامعه افزوده است. بنابراین، بخشی از آثار مثبت رشد را خنثی کرده است، اما بر تمامی آن غالب نیامده است و در نهایت فقر کاهش یافته است. چنانکه مشخص است این کاهش نهایی کمتر از حالتی است که وضعیت توزیع درآمدها ثابت باقی می‌ماند؛ بنابراین، اثر درآمدی به سود فقرا و بزرگ‌تر از اثر توزیعی منفی بوده است.

- گروه ششم: وضعیت این گروه برعکس گروه پنجم بوده است به صورتی که رشد طی دوره منفی بوده و فقر را افزایش داده است. بهبود در وضعیت توزیع درآمدها از طریق کاهش نابرابری منجر به کاهش فقر شده است و با وجود این کاهش، وضعیت فقرا در این دسته طی دوره مورد بررسی بدتر شده است، زیرا اثر مثبت توزیعی بر اثر منفی درآمدی فائق نیامده است و تنها توانسته مقداری از آثار مخرب رشد منفی را خنثی کند و مانع از افزایش شدید فقر شود. در نهایت فقر در مناطق شهری استان‌های اردبیل، اصفهان، بوشهر، خراسان رضوی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، قزوین، کرمان، مازندران و هرمزگان افزایش یافته است.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فقر، این معضل بزرگ اجتماعی از گذشته تاکنون گریبانگیر جوامع مختلف بوده است و همواره رفع این معضل اجتماعی در لیست اهداف توسعه قرار داشته است. در گذشته اغلب برای «رسیدن به توسعه» فقر و نابرابری نادیده گرفته می‌شد و محور هدف رشد اقتصادی بود، بدون توجه به این‌ه آیا عموم مردم جامعه از این رشد منتفع می‌شوند؟ و یا اینکه آیا فقرا از رشد بهره‌ای خواهند برد؟ اما طی دهه‌های اخیر به این موارد نیز در مطالعات حوزه رشد و توسعه توجه شده است و ارتباط بین این سه عنصر یعنی فقر، رشد و نابرابری که ارتباطی دو به دو و متقابل است، سه‌گانه فقر، رشد و نابرابری را مطرح شده است و این سه‌گانه با خود، مفهوم رشد فقرزدا را به ارمغان آورده است؛ مفهومی که انتفاع فقرا و برابری را در خود جای داده است؛ زیرا مقصود از رشد فقرزدا، رشدی است که همراه با رشد اقتصادی که جامعه کسب می‌کند، فقرا نیز بهره‌مند شده و نابرابری در توزیع درآمدها کاهش می‌یابد. از این رو، طی دهه‌های اخیر مطالعات قابل - توجهی در این حوزه صورت گرفته است که عموم آن‌ها متفق‌القول‌اند که رشد همه جانبه نقش حیاتی در شتاب بخشیدن به کاهش فقر دارد، اما نابرابری نیز دامنه نفع بردن فقرا از رشد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. از این رو، در مطالعه حاضر هدف بررسی اثر توزیعی و اثر درآمدی بر فقر در مناطق شهری استان‌های ایران طی دوره ۹۸-۱۳۹۲ است که با استفاده از داده‌های طرح هزینه درآمد خانوارهای مرکز آمار ایران و الگوی پیشنهادی بورگینون صورت گرفته است. این الگو مبنی بر آن است که فقر تابعی باشد از

رشد، توزیع و تغییرات توزیع که برای اولین بار توسط بورگینون پیشنهاد شد، تحت این فرض که توزیع Log-Normal باشد که یک تقریب استاندارد از توزیع تجربی در ادبیات کاربردی است.

نتایج حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که در سطح کل کشور طی دوره مورد بررسی در تمام سال‌ها نرخ فقر در انتهای سال افزایش یافته است و تنها استثنا مربوط به دوره یک‌ساله ۱۳۹۵-۹۶ است. در دوره ۱۳۹۴-۹۵ نیز با وجود رشد مثبت و برخورداری از اثر درآمدی به سود فقرا تغییر در وضعیت توزیع درآمدها به زیان فقرا بوده و آثار ناشی از توزیع درآمد فقرا را افزایش داده است، اما بیشترین افزایش در فقر مربوط به دوره یک‌ساله ۱۳۹۷-۹۸ است. در این دوره برخلاف دوره ۱۳۹۴-۹۵ نابرابری کاهش یافته است، اما به علت رشد منفی به قدری درآمدها کاهش یافته که تمام آثار مثبت بهبود وضعیت توزیع درآمدها از بین رفته و منتهی به میزان افزایش زیادی در فقر شده است. البته در صورت عدم کاهش نابرابری، فقر به میزان بسیار بیشتری افزایش می‌یافت و وضعیت فقرا وخیم‌تر می‌شد. دوره ۱۳۹۳-۹۴ نیز وضعیت مشابهی دارد، اما در دوره‌های ۱۳۹۲-۹۳ و ۱۳۹۶-۹۷ وضعیت فقرا هم در نتیجه افزایش نابرابری و هم در اثر کاهش میانگین درآمدها، وخیم‌تر شده است؛ از این رو، تنها همان دوره یک‌ساله ۱۳۹۵-۹۶ که از کاهش فقر برخوردار بوده، دارای رشد فقرزدا نیز است. در این دوره تمام عناصر لازم برای رشد فقرزدا (وجود رشد، کاهش فقر و کاهش نابرابری) مهیا بوده است؛ بنابراین، مثلث فقر، رشد و نابرابری در این سال به خوبی کار کرده و سه ضلع اصلی آن فراهم بوده است. علاوه بر این، رشد در این دوره ناشی از دریافت طلب‌های خارجی به واسطه اثرات مقطعی برجام بوده است.

نتایج حاصل از بررسی استانی نیز نشان می‌دهد که در استان‌های با رشد مثبت (مناطق شهری استان‌های البرز، تهران، قم، گلستان، همدان و یزد) تنها مناطق شهری استان قم از رشد فقرزدا و مناطق شهری استان‌های البرز، گلستان و همدان از رشد سرریز طی دوره ۱۳۹۲-۹۸ برخوردار بوده‌اند. به این مفهوم که می‌توان ادعا کرد که وضعیت فقرا در مناطق شهری این استان‌ها بهبود پیدا کرده است و در مناطق شهری استان قم تمامی معیارهای رشد فقرزدا به نفع فقرا عمل کرده‌اند؛ یعنی میانگین درآمدها افزایش یافته،

وضعیت توزیع درآمدها به سود فقرا تغییر کرده و میزان فقر کمتر شده است. در مناطق شهری استان‌های البرز، گلستان و همدان نیز منافع رشد پس از اغنیا به فقرا نیز رسیده است. اما در مناطق شهری تهران و یزد رشد فقرزا بوده است؛ یعنی با وجود اینکه در مناطق شهری این استان‌ها رشد مثبت بوده و طی دوره افزایش یافته است، اما فقرا از آن منتفع نشده‌اند.

در مناطق شهری استان‌های با رشد منفی که مناطق شهری تمام استان‌های باقی‌مانده را در برمی‌گیرند تنها مناطق شهری استان مرکزی است که از کاهش فقر برخوردار بوده است و طی دوره مورد اشاره در سطح این استان فقر کمتر شده و وضعیت فقرا بهبود یافته است. این در حالی است که به دلیل عدم وجود رشد نمی‌توان پذیرفت که مناطق شهری این استان رشد فقرزدا داشته است. در مناطق شهری سایر استان‌ها نیز وضعیت به زیان فقرا بوده و فقر طی دوره در سطح مناطق شهری این استان‌ها بیشتر شده است.

به طور کلی، نتایج این مطالعه حاکی از آن است که رشد به‌تنهایی برای فقر کافی نیست و در کنار آن وضعیت توزیع درآمدها نیز حائز اهمیت است. طی سال‌هایی که فقر افزایش یافته است، این افزایش ناشی از یکی از این دو عامل و یا هر دوی آن‌ها بوده است. از این رو، برای کاهش فقر باید به هر دو عامل توجه کرد تا بتوان به رشد فقرزدا دست یافت؛ به این مفهوم که هم فقر کاهش یابد و هم وضعیت توزیع درآمدها بهبود یابد. البته نتایج حاکی از عدم وجود رشد در مناطق شهری غالب استان‌ها است؛ به صورتی که حتی با وجود بهبود در توزیع درآمدها نیز کاهش فقر ممکن نبوده است.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت هر چند رشد اقتصادی و توزیع برابرتر درآمدها دو هدف تقریباً غیرهمسوی اقتصاد کلان در سیاست‌گذاری دیده می‌شوند، اما می‌توان شواهدی پیدا کرد که این دو هدف به‌ظاهر متناقض را به‌طور همسو دنبال کرد. مطالعه حاضر شواهدی بر این ادعا ارائه می‌دهد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Elham Heshmati Daiari

 <http://orcid.org/0000-0002-6228-7620>

Sohrab Delangizan

 <http://orcid.org/0000-0001-8392-1996>

Mohammad Sharif Karimi

 <http://orcid.org/0000-0002-5967-6756>

منابع

- ایزدخواستی، حجت. (۱۳۹۸). بررسی نابرابری در تخصیص اعتبارات بودجه استانی و تاثیر آن بر نابرابری درآمدهای منطقه‌ای در ایران. *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۹ (۷۵)، ۳۹-۷۰. <https://doi.org/10.22054/joer.2019.11631>
- بهبودی، داود، اعلائی حیدرآملو، محسن، پناهی، حسین. (۱۳۹۹). اندازه‌گیری و مقایسه درجه رشد حامی فقرا در کشورهای اسلامی. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد مقداری*، ۱۷ (۳)، ۹۱-۱۱۵. <https://doi.org/10.22055/jqe.2019.28419.2028>
- حیدری، حسین، ابنوری، اسمعیل، جعفری صمیمی، احمد و نادمی، یونس. (۱۴۰۰). برآورد نابرابری درآمد و فقر شهری و روستایی استان هرمزگان در مقایسه با کل کشور. *فصلنامه علمی مدل‌سازی اقتصادی*، ۱۵ (۵۳)، ۱-۲۴. <https://doi.org/10.30495/ECO.2021.1929050.2513>
- خسروی نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۱). برآورد فقر و شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، ۶ (۲-پ۱۸)، ۳۹-۶۰.
- دهقانی، علی، سید محمدحسن حسینی، محمد فتاحی، حکمتی فری، صمد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۵۰-۱۳۹۳. *رهیافت رگرسیون غیرخطی انتقال ملایم. فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۶ (۲۱)، ۲۱۳-۲۳۶. <https://doi.org/10.22084/AES.2017.1804>
- راغفر، حسین، باباپور، میترا، یزدانپناه، محدثه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه رشد اقتصادی با فقر و نابرابری در ایران طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه. *فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۴ (۱۶)، ۷۹-۵۹. <https://doi.org/10.22054/joer.2017.11631>
- رضاقلی‌زاده، مهدیه. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر گردشگری بر مثلث فقر، نابرابری و رشد اقتصادی، *فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری*، ۱۱ (۳۶)، ۱۲۵-۱۶۰. <https://doi.org/10.22054/tms.2017.7251>
- زاهدی اصل، محمد و بساطیان، سید محمد. (۱۳۹۰). مسائل و مشکلات فقر در ایران. *مجله برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۳ (۷)، ۱-۲۶.

- فرهمند، شکوفه، طیبی، سید کمال و کریمی، محسن. (۱۳۹۲). اثر تولید و رشد بخشی بر فقر و رفاه اجتماعی در استان‌های ایران ۸۶-۱۳۷۹. *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)*. ۲۴(۲)، ۱۲۷-۱۴۲. 20.1001.1.20085745.1392.24.2.7.9
- فطرس، محمدحسن و شهبازی، فاطمه. (۱۳۹۵). بررسی روند فقر و نابرابری در مناطق روستایی ایران دوره زمانی ۱۳۹۳-۱۳۶۳. *مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی*، ۸(۲)، ۱۳۳-۱۵۵. 20.1001.1.20086407.1395.8.30.7.9
- کریمی، محمد شریف، سهراب دل انگیزان، حشمتی دایاری، الهام. (۱۳۹۷). *رشد فقرزدا و نابرابری*. تهران: نشر نورعلم.
- مولانا، سید مسیح، نجفی زاده، عباس، سرلک، احمد و حاجی، غلامعلی. (۱۳۹۹). بررسی اثرات توسعه مالی بر فقر نسبی در مناطق شهری ایران: شواهدی از الگوی رگرسیون انتقال ملایم (STR). *فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی*، ۲۰(۷۷)، ۱۲۹-۱۶۲. <https://doi.org/10.22054/joer.2020.12080>
- مولایی، محمد و رحیمی‌راد، زهره. (۱۳۹۷). بررسی وضعیت فقر در خانوارهای شهری ایران طی پنج برنامه توسعه اقتصادی ۱۳۶۸-۱۳۹۴. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، ۱۸(۳)، ۱۶۷-۱۹۲.

20.1001.1.17356768.1397.18.3.5.6

References

- Baloch, A., Danish, B., Khan, S., Ulucak, z. and Ahmad, A., (2020), "Analyzing the relationship between poverty, income inequality, and CO2 emission in Sub-Saharan African countries", *Science of the Total Environment* 740. Volume 740, 20 October 2020, 139867, 8-22. <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2020.139867>
- Behboudi, D., Alaei hydranlv, M., & Panahi, H. (2020). Measuring and Comparing the Degree of Pro-Poor Growth in Islamic Countries oach. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 17(3), 91-115. doi: 10.22055/jqe.2019.28419.2028. [In Persian]
- Bourguignon, François. 2004. The Poverty-Growth-Inequality Triangle. The World Bank Policy Research Working Paper (28102).
- Capuno, J. (2022). Growth with redistribution, finally: Regional poverty and inequality in the Philippines, 2000–2018. *Asia and the Global Economy*, 2(2), 1-15. <https://doi.org/10.1016/j.aglobe.2022.100039>
- Dehghani, A., hosseini, S. M. H., Fattahy, M., & hekmatifarid, S. (2017). The Impact of Economic Growth on Iranian Income Distribution,

- (Nonlinear LSTAR approach). *Journal of Applied Economics Studies in Iran*, 6(21), 213-236. doi: 10.22084/aes.2017.1804. [In Persian]
- Dollar, D. & Kraay, A. (2002). Growth Is Good for the Poor. *Journal of Economic Growth*, 7: 195-225. <https://www.jstor.org/stable/40216063>
- Farahmand, S., Tayebi, S. K., & Karimi, M. (2013). The Impact of Sectorial Economic Growth on Poverty and Social welfare in Provinces of Iran (2000-2007). *Journal of Applied Sociology*, 24(2), 127-142. [In Persian]
- Fotros, M. H., & Shahbazi, F. (2016). a. Investigating the trend of poverty and inequality in the rural areas of Iran during the period of 1984-2014. *Agricultural Economics Research*, 8(30), 133-155. 20.1001.1.20086407.1395.8.30.7.9.[In Persian]
- Heidari, H., Aboonoori, E., Jafari Samimi, A., & Nademi, Y. (2021). Estimation of Urban and Rural Poverty and Inequality concerning Hormozgan Province compared with the Country as a Whole. *Economic Modelling*, 15(53), 1-24. doi:10.30495/eco.2021.1929050.2513. [In Persian]
- Heinemann, E. Prato, B. & Shepherd, A., 2010, Rural Poverty Report 2011, International Fund for Agricultural Development. Rome, Italy.
- Hilson, G., Gillani, A., Kutaula, S., 2018. Towards sustainable pro-poor development? A critical assessment of fair trade gold. *J. Clean. Prod.* 186, 894e904. DOI:10.1016/j.jclepro.2018.03.123
- Izadkhasti, H. (2019). Inequality of Provincial Budget Allocation and its Impact on Inequality of Regional Income in Iran. *Economics Research*, 19(75), 39-70. doi:10.22054/joer.2019.11631. [In Persian]
- Jmurova, A., (2017), "Pro-Poor Growth: Definition, Measurement and Policy Issues", MPRA Paper No. 85397. <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/85397/>
- Kakwani, N and Perenia, E. (2000). What Is Pro-Poor Growth?. *Asian Development Review* 18:1-16. <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/104987/>
- Kakwani, N. Khandker, S. & Son, H.H. (2004). Pro-poor Growth: Concepts and Measurements with Country Case Studies. *UNDP International Poverty Center*. Working Paper, 1. <https://www.jstor.org/stable/41260555>
- Khosravinejad, A. A. (2011). Estimation of Poverty Indices in Iranian Urban and Rural Households. *Economic Modelling*, 6(18), 39-60. [In Persian]

- Lakner, C., Gerszon Mahler, D., Negre, M. and Beer Prydz, E., (2019), "How Much Does Reducing Inequality Matter for Global Poverty?", Policy Research Working Paper 8869.
- Lopez, H. 2005b. "Pro-Poor Growth: How Important Is Macroeconomic Stability?" Working Paper, World Bank, Washington, Dc.
- Lucci, P., Bhatkal, T. and Khan, A., (2018). Are we underestimating urban poverty?", *World Development*, 103, 297-310. DOI:10.1016/j.worlddev.2017.10.022
- Molana, S. M., Najafizadeh, A., Sarlak, A., & Haji, G. A. (2020). The Effects of Financial Development on Relative Poverty in Iran: Evidence from the Smoothing Transmission Regression Model (STR). *Economics Research*, 20(77), 129-162. doi: 10.22054/joer.2020.12080. [In Persian]
- Mowlaei, M., Rahimirad, Z. (2018). The Study of Poverty among Iran's Urban Households in Five Economic Development Plans: 1989-2015. *QJER* 2018; 18 (3) :167-192 URL:<http://ecor.modares.ac.ir/article-18-15291-fa.html>. [In Persian]
- Padda, I.U. H., & Hameed, A. (2018). Estimating multidimensional poverty levels in rural Pakistan: A contribution to sustainable development policies. *Journal of Cleaner Production*, 197, 435-442. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2018.05.224>
- Panori, A., Mora, L. and Reid, A., (2019). Five decades of research on urban poverty: Main research communities, core knowledge producers, and emerging thematic areas, *Journal of Cleaner Production* Volume 237, 10, 103-130. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2019.117850>
- raghfhar, H., babapour, M., & yazdanpanah, M. (2016). Survey on the Relationship between Economic Growth, Poverty, and Inequality in Iran during Five-Year Development Plan. *Journal of Applied Economics Studies in Iran*, 4(16), 59-79. 20.1001.1.23222530.1394.4.16.4.7 [In Persian]
- Rashdan, A., (2011). Middle Class and Pro-Poor Growth in Egypt: The Missing Connection. Development Issues in some MENA countries Session MEEA 1.
- Ravallion, M. (2004). Pro-Poor Growth: APrimer. Policy Research Working Paper 3242, World Bank, Washington, DC. <https://ssrn.com/abstract=610283>
- Ravallion, M., Chen, S., and Sangraula, P. (2009). Dollar a Day Revisited. *World Bank Economic Review*, 23, 163-84. <https://www.jstor.org/stable/40282299>

- Rezagholizadeh, M. (2017). Investigating the Effect of Tourism on the Triangle of Poverty, Inequality and Economic Growth. *Tourism Management Studies*, 11(36), 125-160. doi:10.22054/tms.2017.7251. [In Persian]
- Shin, Kwang-Yeong, (2020), A new approach to social inequality: inequality of income and wealth in South Korea, *The Journal of Chinese Sociology* 7:17. DOI: 10.1186/s40711-020-00126-7
- Shoukry, A., Jabeen, M., Zaman, K., Gani, S. and Aamir, A., (2017). A note on poverty, growth, and inequality nexus: evidence from a panel of sub-Saharan African countries. Springer Science Business Media B.V., part of Springer Nature 2017. DOI: 10.1007/s11135-017-0654-9.
- Timoty, B., Robin, B., & Berta, E.V. (2003). The Policy Origins of Poverty and Growth in India. *Journal of Economic Perspectives*- Volume17- Page 3-22. <http://eprints.lse.ac.uk/id/eprint/33744>
- Verme, P. (2006). A structural analysis of growth and poverty in the short-term. University of Torino and Bocconi University, Italy.
- Zahediasl, M., & Basatian, S. M., (2011). Oney, Gender, Development (Case study the Fund of Women Beekeepers in Rameh). *Social Development & Welfare Planning*, 2(7), 1-26. [In Persian]
- Zhao, X., Yu, B., Liu, Y., Chen, Z., Li, Q., Wang, C., & Wu, J. (2019). Estimation of poverty using random forest regression with multi-source data: A case study in Bangladesh. *Remote Sensing*, 11(4), 375 . <https://doi.org/10.3390/rs11040375>

استناد به این مقاله: حشمتی دایاری، الهام، دلانگیزان، سهراب و کریمی، محمدشریف. (۱۴۰۱). شناسایی کانال‌های اثرگذاری رشد فقرزدا در مناطق شهری استان‌های ایران، پژوهشنامه اقتصادی، ۸۶(۲۲)، ۱۲۱-۱۵۰.



Journal of Economic Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.